



مرکز تحقیقات رایانگی

اصفهان

گامی



عمران
علیه السلام

www.

www.

www.

www.

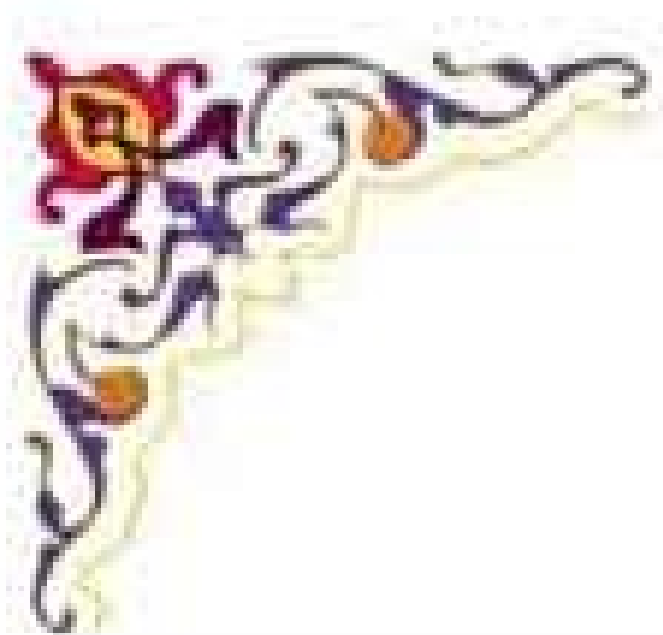
Ghaemiyeh

.com

.org

.net

.ir



جہاد آموزشی و آموزشی متن مخالفین دین

پیرامون تعلیم و تربیت



بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

نهاد آموختن و آموزش متن خالص دین

نویسنده:

سید حسن حسینی دولت آبادی

ناشر چاپی:

مؤلف

ناشر دیجیتال:

مرکز تحقیقات رایانه‌ای قائمیه اصفهان

فهرست

۵	فهرست
۷	نهاد آموختن و آموزش متن خالص دین
۷	مشخصات کتاب
۷	اشاره
۱۳	فهرست مطالب
۱۵	گفتار نخست
۱۵	متولیان «امر دین» پاسخ دهند؟
۱۶	در دو مورد زیر چه باید کرد؟
۱۸	راه چاره چیست؟
۲۰	آیا متولیان امر دین، انگیزه و توانمندی لازم را در این زمینه دارند؟
۲۰	نویا شوم سفیر شیطان
۲۳	راهبردهای تحقق: «نهاد آموختن و آموزش متن خالص دین»
۲۳	اشاره
۲۳	۱. مقام خلافة الّلهی انسان
۲۴	۲. خلافت نواب عام
۲۵	۳. گستره ی دین اسلام و زعامت دینی تا کجاست؟
۲۷	۴. مدیریت نهاد
۲۹	۵. شناخت «متن خالص دین»
۲۹	اشاره
۳۰	تذکر مهم
۳۴	۶. علوم مقدماتی و الی
۳۵	۷. مراکز تخصصی نهاد
۳۶	۸. اساتید و مربیان نهاد
۳۷	۹. فراگیران نهاد

۴۲ مهم ترین ره آورد

۴۳ درباره مرکز

نهاد آموختن و آموزش متن خالص دین

مشخصات کتاب

نهاد آموختن و آموزش متن خالص دین

سید حسن حسینی دولت آبادی

خیراندیش دیجیتال: انجمن مددکاری امام زمان (عج) اصفهان

ص: 1

اشاره

بسم الله الرحمن الرحيم

ص: 2

نهاد آموختن و آموزش متن خالص دین

سید حسن حسینی دولت آبادی

ص: 3

حوزه های علمیه شیعی از ظرفیتی که در خور مسئولیت و جایگاه جهانی آن باشد برخوردار نیست و با آن فاصله ای تا ستاره های "ثریا" دارد.

- زیرساخت های تکنیکی، توسعه ای و علمی حوزه ها اکنون تا کجاست و تا کجا باید باشد؟

- جوامع علمی توسعه یافته با ولع غیر قابل توصیف و با استخدام دانشمندان و نوابغ، در سودای دستیابی به آخرین دست آوردهای علمی و فنی در هر زمینه اند و با تدوین کتاب هایی با آخرین و به روز ترین یافته های علمی و فنی، به آموزش نیروهای برتر همت می گمارند. افسوس که در حوزه ها بسیاری از متصدیان حوزوی به کتابهای موروثی از قرن ها و دهه های قبل می بالند و اجازه راهیابی کتاب هایی با محتوای علمی سامان یافته و به روز را به حوزها نمی دهند.

- آیا حوزه ها از توان نیروهای انسانی چند صد هزار نفری اسلام شناسان در سراسر جهان برای بیان و آموزش معارف ناب اسلام به اقشار و اقوام و جوامع بشری و علمی برخوردار است؟

- برای نشر و آموزش معارف ناب تخصصی اسلام و علوم حوزوی، هزاران هزار استاد مجرب که دوره ها و آموزش های خاص هر دوره را دیده باشند نیاز است.

به راستی توان بالفعل حوزه ها در این عرصه تا کجاست؟

بی تردید ناکارآمدی در این عرصه، پریزیان و غیر قابل جبران است.

برای متصدیان، زمامداران و فرزندگان حوزه ها درنگ جایز نیست تا بر این وضع اسفبار حوزه های علمیه فائق آمده و آنچه مورد نظر صاحب شریعت است را تحقق بخشند.

مقاله: "نهاد آموختن و آموزش متن خالص دین" گامی آغازین در این عرصه است که امید می رود با گام های سترگ صاحبان اندیشه و خردمندان، به نهایت خود برسد.

سید حسن حسینی دولت آبادی

مدرس سطوح عالی حوزه علمیه؛ نویسنده و مترجم در حوزه علوم حوزوی

لطفا با نشر حداکثری در این جهاد مقدس مشارکت جدی داشته باشید.

ص: 6

نهاد آموختن و آموزش متن خالص دین

گفتار نخست... 3

متولیان «امر دین» پاسخ دهند! ... 3

در دو مورد زیر چه باید کرد؟ ... 4

راه چاره چیست؟ ... 6

آیا متولیان امر دین، انگیزه و توانمندی لازم را در این زمینه دارند؟ ... 8

نوای شوم سفیر شیطان ... 8

راهبردهای تحقق: «نهاد آموختن و آموزش متن خالص دین» ... 11

1. مقام خلافة اللہی انسان ... 11

2. خلافت نواب عام ... 12

3. گستره ی دین اسلام و زعامت دینی تاکجاست ... 13

4. مدیریت نهاد ... 15

ص: 7

5. شناخت (متن خالص دین)«...17

تذکر مهم ...18

6. علوم مقدمی و آلی ...22

7. مراکز تخصصی نهاد ... 23

8. اساتید و مربیان نهاد ...24

9. فراگیران نهاد ...25

مهم ترین ره آورد ...30

ص: 8

گفتار نخست

متولیان «امر دین» پاسخ دهند؟

- «باید در حد نیاز کشور پزشک تربیت نمود.»

- «کشور بایستی از نظر غلات خودکفا شود.»

- «کمبود قضاات باید برطرف گردد.»

در روزگاری ساخت: کامپیوتر، هواپیما، مترو و .. امری نشدنی به شمار می آمد ولی پس از تلاش های بی وقفه کارشناسان و صنعت گران، تولیدانبوه آنها به بار نشست.

در گذشته ی نه چندان دور تربیت هزاران کارشناس در رشته های گوناگون فضایی، دریایی، پزشکی و ... امری غیر قابل باور بود تا آنکه سرانجام پژوهشها و تلاش ها به نتیجه رسید.

بسیاری از بیماری های صعب العلاج و واگیردار، انسانها را هزاران هزار به کام مرگ می فرستاد ولی امروزه این بیماری ها، در سایه ی تلاش های پژوهشگران آگاه و توانمند، از میان رفته است.

ص: 9

1- این نام، ملهم از آیه ی شریفی: «فَلَوْلَا نَفَرَ مِن كُلِّ فِرْقَةٍ مِّنْهُمْ طَائِفَةٌ لِّيَتَفَقَّهُوا فِي الدِّينِ وَلِيُنذِرُوا قَوْمَهُمْ إِذَا رَجَعُوا إِلَيْهِمْ لَعَلَّهُمْ يَحْذَرُونَ» توبه (9)، آیه 122 می باشد.

مدیران با کفایت کشورها برای تامین نیروی انسانی متخصص در این زمینه ها و دیگر نیازها، دست از پای نمی شناسند.

آنچه در این فرایند گفتن دارد این است که مدیریت «امردین»، راهبردها و برنامه هایش در عرصه ی نیازهای دینی و دیگر نیازهای اساسی بشریت و مسلمانان چیست؟

در دو مورد زیر چه باید کرد؟

- در شرق و غرب جهان، اقوام و ملل بسیاری هستند که باید دین و دستورات الهی را بشناسند آنان که حتی از آگاهی های اولیه نیز نسبت به دین بهره ای ندارند. آیا مدیریت امر دین برای تبلیغ اسلام به جهانیان، ساز و کاری در نظر گرفته است که هیچ جاهلی نتواند بگوید ما راهنمایی نداشتیم و گرنه راه حق را بر می گزیدیم؟ (1)

- بسیاری از مردم در اقصی نقاط عالم در فقر، بیسوادی، بردگی و بیداد ستمکاران زندگی میکنند و بی صبرانه در انتظار منادیان حق و مجاهدان ستم ستیزاند تا طعم عدالت و استواری دین و استقرار احکام الله را شاهد باشند. به بیانی دیگر مدیریت امر دین در مقابله با طواغیت که با استقرار احکام الله و عدل و قسط مخالفند و مردم را در ضلالت، ستم و بلایا نگاه داشته اند چگونه باید رفتار نماید؟ (2)

ص: 10

1- وَلَوْ أَنَّا أَهْلَكْنَاهُمْ بِعَذَابٍ مِّن قَبْلِهِ لَقَالُوا رَبَّنَا لَوْلَا أَرْسَلْتَ إِلَيْنَا رَسُولًا فَنَتَّبِعَ آيَاتِكَ مِن قَبْلِ أَنْ نَذِلَّ وَنُحْزَى «طه (20)، آیه 134.

2- أُذِنَ لِلَّذِينَ يُقَاتِلُونَ بِأَنَّهُمْ ظَلِمُوا وَإِنَّ اللَّهَ عَلَىٰ نَصْرِهِمْ لَقَدِيرٌ «حج (22)، آیه 39.

هجوم های مکرر و متوالی کفار و نیز وهابی ها و داعش به سرزمین های اسلامی و

قتل و غارت، و هتک نوامیس مسلمانان بیانگر چیست؟! و از همه اندوهبارتر تصرف سرزمین وحی و حرمین شریفین را چگونه می توان توجیه نمود؟!

آیا دستور و تاکید شریعت و سیره ی انبیا و ائمه علیهم السلام این است که باید بر این

موارد چشم فرو بست و یا آنکه راه، راهی دیگر است؟

«يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا مَا لَكُمْ إِذَا قِيلَ لَكُمْ انْفِرُوا فِي سَبِيلِ اللَّهِ اثَّاقَلْتُمْ إِلَى الْأَرْضِ أَرْضَيْتُمْ بِالْحَيَاةِ الدُّنْيَا مِنَ الْآخِرَةِ فَمَا مَتَاعُ الْحَيَاةِ الدُّنْيَا فِي الْآخِرَةِ إِلَّا قَلِيلٌ» (1)

«وَمَا لَكُمْ لَا تُقَاتِلُونَ فِي سَبِيلِ اللَّهِ وَالْمُسْتَضْعَفِينَ مِنَ الرِّجَالِ وَالنِّسَاءِ وَالْوِلْدَانِ الَّذِينَ يَقُولُونَ رَبَّنَا أَخْرِجْنَا مِنْ هَذِهِ الْقَرْيَةِ الظَّالِمِ أَهْلُهَا وَاجْعَل لَّنَا مِن لَّدُنكَ وَلِيًّا وَاجْعَل لَّنَا مِن لَّدُنكَ نَصِيرًا» (2)

متولیان و مدیران امر دین در این وانفسا که بشریت و مسلمانان گرفتار آن هستند چگونه می اندیشند؟ باورهایشان چیست؟ و عزم و اراده و تدبیر و درایت آنها چه می باشد؟

برداشت ها از دین و سنن معصومین علیهم السلام در این زمینه ها آن چنان متفاوت و متضاد و متناقض است که در این راستا جز عقل سلیم و الطاف و عنایات الهی کارساز نخواهد بود.

ص: 11

1- توبه (9)، آیه 38.

2- نساء(4)، آیه 75

بی تردید، علت، نداشتن برنامه و نیروهای کارآمد برای مصاف با دشمنانی است که پیوسته و تمام قد در سودای نابودی ما هستند و نیز به فراموشی سپرده شدن دو آیهی زیر و دیگر آیات جهاد است؛

«وَلَنْ يَجْعَلَ اللَّهُ لِلْكَافِرِينَ عَلَى الْمُؤْمِنِينَ سَبِيلًا» (1)

«وَأَعِدُّوا لَهُمْ مَا اسْتَطَعْتُمْ مِنْ قُوَّةٍ وَمِنْ رِبَاطِ الْخَيْلِ تُرْهِبُونَ بِهِ عَدُوَّ اللَّهِ وَعَدُوَّكُمْ» (2)

پاسخ های متولیان امر دین در خشش متمرکز، نظامند و سزاوار آنها را در این عرصه باید بیابیم و مطالعه کنیم.

راه چاره چیست؟

با ژرف نگری در مطالب گذشته و هزاران نمونه ی مشابه، راهی نیست جز آن که همه در یک رستاخیز عمومی همانند عصر رسالت و عصر امیرالمؤمنین به کتاب و سنت معصومین علیهم السلام تمسک نموده و قانون خدا را در ملک و ملت، حکومت و سیاست، اقتصاد و حقوق، و ... ساری و جاری نمایند. «فَمَاذَا بَعْدَ الْحَقِّ إِلَّا الضَّلَالُ» (3)

برای تحقق این امر و پاسخگویی به موارد یاد شده، به راد مردانی چون سلمان، مالک و ... نیاز است تا بتوانند دستورات خداوند را حاکم نموده و اقامه ی

ص: 12

1- نساء(4)، آیهی 141

2- انفال (4)، آیهی 60

3- یونس (10)، آیه 32.

عدل و داد نمایند. اینان می توانند همانند یوسف علیه السلام، بت خانه ها را ویران و یکتا پرستی و دادگری را بر پای دارند و رفاه و رونق را جایگزین فقر و گرسنگی نمایند. نیز این خیل دلیران می توانند همانند طالوت، سپاه بیداد و کفر را درهم شکنند و صف متحد پا برهنگان و گرسنگان را بنیان نهاده و زندگی طیبه را برای اینان به ارمغان آورند.

این جمع مبارک دین باور و دین آموخته به نشر معارف نورانی اسلام در سراسر گیتی خواهند پرداخت و جهانیان در سایه احکام و معارف الهی بهترین زندگی را خواهند داشت و فرجام زندگی انسانها تکامل در شاهراه هدایت و وصول به غایه الغایات یعنی قرب به حضرت رب الارباب خواهد بود.

«وَأَنْ لَّيْسَ لِلْإِنْسَانِ إِلَّا مَا سَعَى * وَأَنَّ سَعْيَهُ سَوْفَ يُرَى * ثُمَّ يُجْزَاهُ الْجَزَاءَ الْأَوْفَى *

وَأَنْ إِلَىٰ رَبِّكَ الْمُنْتَهَى» (1)

مفاد آیه ی شریفه «... فَلَوْلَا نَفَرَ مِن كُلِّ فِرْقَةٍ مِّنْهُمْ طَائِفَةٌ لِّيَتَفَقَّهُوا فِي الدِّينِ وَلِيُنذِرُوا قَوْمَهُمْ إِذَا رَجَعُوا إِلَيْهِمْ لَعَلَّهُمْ يَحْذَرُونَ» (2)

آن است که متدینان، در دو امر مهم آموختن دین و آموزش آن نباید کوتاهی کنند و لازمه ی این امر آن است که زعمای دین در حد نیاز جهانیان و مسلمانان، آگاهان در دین را پیروانند تا در این زمینه کاستی نباشد.

ص: 13

1- نجم (53)، آیات 39-42

2- توبه (9)، آیه 122.

آیا متولیان امر دین، انگیزه و توانمندی لازم را در این زمینه دارند؟

بی تردید این وظیفه و وجوب بر زعمای دین، تعیین دارد و تا حد رسیدن به کفایت همچنان باقی است. مسئولان و مدیران توانمند کشورها در امر پرورش نیروهای متخصص و کارآمد مورد نیاز خود کار را به نهایت رسانده و گاه بیشتر از نیاز به تربیت نیرو اهتمام داشته اند.

اگر زعمای دینی در امر تربیت متفکهان در دین تلاش های لازم را مبذول دارند؛ زعامت دینی استوار خواهد شد و سلطه گران جهانی به زباله دان تاریخ سپرده خواهند شد.

هدف از نگارش مقاله «نهاد آموختن و آموزش متن خالص دین» آن است که بتوان به این جمع فاخر و خیر البریه دست یافت. «وَلْتَكُنْ مِنْكُمْ أُمَّةٌ يَدْعُونَ إِلَى الْخَيْرِ وَيَأْمُرُونَ بِالْمَعْرُوفِ وَيَنْهَوْنَ عَنِ الْمُنْكَرِ وَأُولَئِكَ هُمُ الْمُفْلِحُونَ» (1).

نوای شوم سفیر شیطان

در قرنهای معاصر، استعمار پیر انگلیس به علمای مسیحی و بسیاری از علمای شیعه و سنی القا نمود که سیاست و حکومت از آن پدرسوخته ها و بی دینهاست و علما، پاک و درست کاراند و البته باید خود را از این برهه ها برهانند و به اصلاح امر آخرت خود پردازند.

ص: 14

چه بسیار از علمایی که در علم و زهد، شهره آفاق بودند ولی گوش خود را بر سخنان خدا و رسول در این زمینه بستند و گوش خود را بر پیامبران شیطان گشودند!!!

در نتیجه، کفار و ایادی آنها بر ملک و ملت مسلمانان مسلط شدند و به تاراج منابع و ذخایر مسلمانان پرداختند و جان و نوامیس مسلمانان مورد تاخت و تاز آنان قرار گرفت.

در این شرایط، این بزرگواران دغدغه‌ی این را داشتند که هر حرفی از مخرج خودش ادا شود و ذکر و حتی رکعتی از نمازهای مستحبی ترک نشود و پرداختن به کید و مکر کفار، دخالت در سیاست و ذنب لا یغفر به شمار آمد!!!

«قُلْ هَلْ نُنَبِّئُكُمْ بِالْأَخْسَرِينَ أَعْمَالًا * الَّذِينَ ضَلَّ سَعِيَّهُمْ فِي الْحَيَاةِ الدُّنْيَا وَهُمْ يَحْسَبُونَ أَنَّهُمْ يُحْسِنُونَ صُنْعًا» (1)

اکنون سخن با آنان است که گوش شنوایی برای شنیدن کلام خدا و معصومان دارند و برای تحقق کلمه الله العلیا و حاکمیت دستورات و احکام الهی لباس رزم پوشیده اند.

اگر فریب کاری‌ها و نیرنگ‌های کار و دشمنان اسلام به درستی شناخته و خنثی شود، آن‌گاه می‌توان با پیشتازی متفقهان در دین به جامعه‌ای آرام و با

ص: 15

حاکمیت ارزش های متعالی اسلام دست یافت. و هرگز مباد که زعما و علمای دین مشمول کلمات امام حسین؛ سید الشهداء علیه السلام قرار گیرند:

«مصیبتی که از ناحیه ی شما به خاطر تسلیمتان می رسد، از تمامی مردم بدتر است، چرا که شما عالمان این قوم هستید. ای کاش! شما کوشش و تلاش می کردید. (ای کاش شما می فهمیدید)، چرا که تمامی امور و احکام به دست عالمان دینی است، کسانی که بر حلال و حرام خداوند امین هستند، در حالی که این مقام از شما گرفته شده است، و این مقام گرفته نشد مگر به خاطر این که از اطراف حق پراکنده شدید، و در سنت و روش پیامبر اختلاف کردید.

چنانچه در راه خدا بر اذیت ها و سختی ها صبر کنید، امور الهی به شما باز می گردد و از ناحیه ی شما صادر می شود و شما مرجع کار مردم می شوید، ولی شما جای خود را به ستمگران دادید و زمام امور الهی را به آنها سپردید، در حالی که این ستمگران بی پروا وارد شبهات می شوند و در شهوت رانی غوطه ور می باشند، و ترس از مرگ و دلبستگی به دنیایی که از آن جدا خواهید شد باعث شد، که شما تسلیم آنها شوید.

در نتیجه مستضعفان را به آنان تسلیم نمودید، تا برخی را برده خود و برخی دیگر را به خاطر یک لقمه ی نان مغلوب نمایند. حکومت را به رأی خود زیر و رو کنند و به پیروی از اشرار و گنهکاران، هوسرانی نمایند.»⁽¹⁾

ص: 16

حوزه ی کاری، وظایف و مسئولیتهای خطیر دین آموزان و آموزش دهندگان متن خالص دین، ضرورت شکل گیری «نهاد آموختن و آموزش متن خالص دین» را خاطر نشان می سازد.

برای تحقق این نهاد، توجه به راهبردها و ارکان شکل گیری آن بایستی سخت

مورد توجه باشد تا بتوان به اهداف حاصل از آن دست یافت:

1. مقام خلافة الّهی انسان

خداوند، نخستین انسانی را که آفرید به منصب «خلافة الّهی» و «حجت» او بر بندگانش مفتخر نمود که البته این منصب، بی وقفه و تا پایان عمر هستی استمرار

خواهد داشت.

خلفای الّهی برای ایفای این رسالت عظمی، نیازی به کسب علوم و فنون مربوطه نداشتند؛ زیرا از موهبت علم لدنی و وحی بر خوردار بودند.

خلفای الّهی از آدم علیه السلام تا خاتم الانبیا صلی الله علیه وآله وسلم و تا ائمه علیهم السلام در آموزش «متن خالص دین» به سفرا و مبلغان دین، و اعزام آنها به اقصی نقاط عالم، از ارشادات و تعالیم خداوند متعال بهره مند بودند.

در این راستا زعما و محققان حوزوی بایستی شیوه ها و شگردهایی را که انبیا و ائمه علیهم السلام در تعلیم و تربیت سفرا و مبلغان دینی داشته اند را بدون افزودن و یا

کاستن دریابند و الگوی تأسیس نهاد آموختن و آموزش «متن خالص دین» قرار دهند. این را می توان نخستین منبع در این راستا بر شمرد. با آغاز غیبت کبری مردم آشکارا از فیض وجود مقام خلیفة اللہی محروم گشتند ولی در پس پردهی غیبت، امام غایب چون خورشید، ملک و ملکوت، و جوامع بشری را از برکات وجود انورشان پیوسته برخوردار خواهند نمود.

2. خلافت نواب عام

أدله ی متقن و متواتر، گواه آن است که در عصر غیبت هم همانند عصر حضور، امام علیه السلام را نواب و ولات بسیار است و اینان ولایت امر و امامت امت را بر عهده دارند. با این تفاوت که از نواب و ولات در دوران غیبت با عنوان

نواب عام) تعبیر می گردد. ناگفته نماند که برخی از نواب در روزگار غیبت،

همانند عصر حضور با خلیفة الله و حجت غایب علیه السلام مرتبط و به محضرش تشریف داشته و دارند.

نیابت از امام علیه السلام معنایش این است که نائب باید کاری را انجام دهد که پیشتر امام علیه السلام انجام می داده است و صراحت، ظهور و عمومیت ادله هم گویای همین است الا ما خرج بالدلیل.

اگر به ارتشی دستور دهند در برابر سپاهی گران، صف آرایی کند؛ نخستین دغدغه‌ی فرماندهان ارتش این است که آیا برای این صف آرای، عده و عده‌ی کافی وجود دارد یا نه؟

نیابت از امام علیه السلام به معنای آمادگی و توانایی خیل عظیمی از فقهای جامع شرایط برای ادای رسالت جهانی و اداره‌ی امور دنیایی و اخروی مردم در مقام نیابت از امام علیه السلام است.

با پذیرش این رسالت عظمی از سوی فقها و زعمای دینی این سوال مطرح است که آیا این وظیفه‌ی بزرگ کما هو حقّه انجام شده، و یا آن چه انجام می‌شود در مقابل عظمت مساله، کم و نا چیز است؟

آنچه در عنوان (گفتار نخست) ذکر شد در این زمینه قابل توجه است.

3. گستره‌ی دین اسلام و زعامت دینی تا کجاست؟

اکنون که در عصر غیبت به سر می‌بریم:

1. آیا همه احکام اسلام از قبیل احکام حکومتی، حفظ حدود و ثغور کشور، روابط با دیگر دول و ملل، تبلیغ معارف و اقامه‌ی دستورات اسلام، ایجاد امنیت در بلاد، جلوگیری از احتکار ارزاق عمومی و گران‌فروشی، مبارزه با امراض و بلایا و درمان بیماران و، همانند روزگار رسول اکرم صلی الله علیه و آله وسلم وائمه علیهم السلام برقرار است و یا آنکه ما مکلف به عمل به بخشی از احکام هستیم و بخشی از احکام در عصر غیبت تعطیل است؟

2. آیا فقها و مجتهدان در روزگار غیبت از همه ی مناصب، مسئولیت ها و وظایفی که امام علیه السلام در زمینه ی امر دین و اداره ی امور مسلمانان از آن بهره مند است برخوردار می باشند و یا آنکه منحصر در برخی از امور است؟

برنامه ریزان و سیاست گذاران حوزه ی «متن خالص دین» باید بدرستی پاسخ دو سوال بالا را بدانند وگرنه روند کار واقع بینانه و با شناخت کافی از موضوع نخواهد بود.

به بیانی دیگر، پس از بررسی های کارشناسانه و ژرف، نتیجه هر چه باشد باید متن خالص دین» با توجه به آن، نگاشته شود و همین نگاشته محتوای آموختن و آموزش قرار داده شود.

به نصّ و صراحت ادلّه ی شرعی، در زمان غیبت نیز مردم مکلف به همهی تکالیف شرعی اند و هیچ یک از تکالیف، تعلیق و پانسخ نخواهند شد. از دیگر سو، وظایف و مسئولیت های امام معصوم علیه السلام نیز به فقهای جامع الشرایط سپرده شده است؛ زیرا شارع هرگز نمی پسندد که امور مربوط به ملک و ملت تعلیق و یا تعطیل شود و هرج و مرج و تباهی جامعه را فرا بگیرد.

ص: 20

4. مدیریت نهاد

مدیر باتدبیر و درایت در خانه، مدرسه، دانشگاه، مزرعه، بیمارستان، سازمان و حوزه، منشأ رشد، شکوفایی، پویایی و رسیدن به آرمان های بزرگ خواهد بود.

از سوی دیگر با وجود مدیران فاقد مدیریت و درایت، امکانات، فرصتها، منابع و استعدادها ضایع و ملک و ملت به تباهی کشیده می شود و آرمانهای بزرگ به سرابی بدل خواهد گشت.

در حوزه های علمیه بیشتر مدیران و برنامه ریزان از تحصیلات و مهارت های آکادمیک مرتبط با منصب خودشان بی بهره اند و طبیعی است که بزرگ ترین خسارتها از آن جهان اسلام خواهد شد و حوزه ها سیر قهقرائی خواهند داشت.

اگر وضعیت اسفبار جهان اسلام را از هر نظر بررسی کنیم بی شک سهم حوزه ها در نابسامانی ها و ناهنجاری ها بسیار بسیار خواهد بود.

افسوس که جاماندگان از تخصص های لازم زمان، با تصدی گری خود چه زیانهای جبران ناپذیری به طلاب و حوزه ها زده و میزنند و همین ها هستند که در احادیث به خاطر تصدی کاری که در صلاحیت آنان نیست لعنت شده اند.

آیا صرف تسلط بر تدریس کفایه و رسائل برای تصدی گری در امور آموزشی، اجرائی و یا مالی کفایت می کند؟ این بزرگواران همانند پزشکانی

می مانند که در بیماری های گوناگونی که تخصص آنها را ندارند معاینه و جراحی می نمایند و نسخه می نویسند.

سوال از چگونگی مدیریت حوزه ها پاسخ درست و قانع کننده ای ندارد آیا مدیریت از آن همه ی مراجع است و یا برخی از مراجع؟ جامعه ی مدرسین و مرکز مدیریت حوزه های علمیه، چند درصد قیومیت حوزه ها را در دستدارند؟ و بالاخره خلأ زیانبار مدیریت واحد و منسجم تا کجاست؟ و آیا نتایج زیان بار آن قابل محاسبه است؟

مدیریت همه سونگر که به هر سو نگرشی: تخصصی، مهارتی و حرفه ای داشته باشد می تواند استعدادهای بالقوه و بالفعل را شکوفا و بارور نموده و ستاره هایی پر نور و درخشان را به جهان اسلام عرضه نماید. و واسفا که مدیریت فرسوده، سطحی نگر و قشری، همه چیز را عاقل و باطل و تباه خواهد نمود.

«نهاد آموختن و آموزش متن خالص دین»، بنیاد و بنیانی آموزشی و تربیتی جهانی برای همه ی عصرها و نسل هاست که مدیریتی در طراز خود را می طلبد.

وجوهات از سوی مردم متعهد همچون سیل روانه ی حوزه ها می شود ولی به علت تعدد مرجعیت و شمار انبوه نمایندگان دریافت کننده ی وجوه که لاتعدولاتحصی، و فعال مایشانند سهم اندکی نصیب طلاب می شود، کسانی که با امید به آینده ای معنوی و روشن وارد حوزه ها می شوند، ولی پس از چند سال در

می یابند که این قوت لایموت، جوابگوی هزینه های خودشان هم نیست چه رسد به اهل و عیال آنها و علی الاسلام السلام که این طلاب تحقیر شده، ذلیل شده و زیر پا له شده بخواهند مروج و مبلغش باشند.

مدیریت توانمند و با کفایت حوزوی، می تواند با تجمیع و تمرکز وجوهات شرعی و سامان موقوفات حوزوی نامحدود، حوزه ها را از فقر خودساخته رهایی بخشیده و در جایگاهی که حق آنهاست قرار داده شوند.

کانال ها و دریافت کنندگان وجوه در حوزه ها بسیار و شبکه های توزیع وجوهات و عناوین مربوطه نیز فراوان است. با تمرکز و تجمیع وجوهات شرعی و موقوفات که بیرون از شمار است می توان چندین برابر حوزهی موجود را اداره نمود.

5. شناخت «متن خالص دین»

اشاره

از نصوص و ظهورات بسیاری استفاده می شود که شارع مقدس، گروهی را می خواهد که نخست دین را بیاموزند (متفقه) و پس از آموختن دین، آن را به دیگران آموزش دهند (فقیه).

پوشیده نماند که آنچه مورد نظر شارع در این زمینه است آموختن و آموزش خالص «دین» می باشد لاغیر و این جمع بایستی در این راستا به کار گرفته شوند. بنابراین، باید محتوایی با نام: «متن خالص دین» نه بیشتر و نه کمتر فراهم گردد.

امروزه شاهدیم که متون حوزوی، بیشتر به موضوعات علمی همانند: صرف، نحو، منطق، فلسفه، بلاغت و ... پرداخته است و اینهاست که بیشتر در دوره‌ی سطح آموخته و آموزش داده می‌شوند و متن خالص دین، بخش ناچیزی از محتوای حوزه در این سطح می‌باشد.

گفتن دارد که اسلام همه‌ی علمی که برای انسانها مفید است را ارزشمند دانسته و قابل تعلیم و تعلم میداند ولی این به معنای درستی اختلاط چندین علم در کنار علم دین نیست.

به بیانی دیگر برای آموختن و آموزش پزشکی، کیهان شناسی، جغرافیا، ریاضی و ... محتواهای خاص هر علم آموزش داده می‌شود و کمتر به آموختن و آموزش علوم دیگر می‌پردازند.

ناگفته نماند که نظر برخی این است که این علوم، مقدماتی هستند. این سخن گرچه صحیح است ولی باید گفت مقدمه از ذوالمقدمه بیشتر شده است.

تذکر مهم

«محتوای خالص دین» بایستی به تناسب مقاطع ستی و تحصیلی فراگیران متفقه باشد و طی چند مرحله آموزش داده شود. برای تهیه‌ی چنین محتوایی تضدی عالمان دینی تنها کافی نیست بلکه باید کارشناسان گوناگون رشته‌های تولید محتوا و آموزشی نیز حضور مستقیم و تعیین کننده داشته باشند.

ضعف بزرگ سیاست‌گذاری‌ها و برنامه‌های حوزه به‌طور عمده این است که

در چهارچوبه‌ها و فرمت‌های علمی نیست؛ یعنی کسانی که مدرک و تخصص آموزشی ندارند به خود اجازه می‌دهند در همه‌ی امور مربوط به محتوی اظهار نظر نمایند.

برای هر علمی مانند: صرف، نحو، منطق، بلاغت، فقه، اصول و... باید لجنه‌های تخصصی و نخبگان آموزش دیده‌ی همان علم انجمن کنند و همه‌ی مسائل را تخصصی و کارشناسانه به پیش برند.

محتوای خالص دین بدون کاستن و افزودن باید توسط کارشناسان مجرب دینی و آموزشی به تناسب مقاطع سنی و تحصیلی و در سطوح مختلف، طراحی و تدوین گردد. البته بدون ضمانت، سوابق و لواحق دیگر علوم.

متون درسی حوزوی کهن برای حوزه‌های علمیه‌ی امروز غیرکارشناسی و بدون پشتوانه‌ی علمی است. گفتنی است

که بیشتر متون آموزشی، از قرن‌ها پیش بر جای مانده و بدون در نظر گرفتن مقاطع سنی و آموزشی، و خارج از روال آموزشی و سطح بندی است.

در دنیایی که حمل و نقل با اسب و الاغ را به حمل و نقل با هواپیماهای فوق صوت، کشاورزی با بیل و داس را به تکنولوژی‌های حیرت آور، و سیستم محاسباتی را از چرخه به ابر رایانه‌ها و... رسانده اند، جایگاه ما کجاست؟

در دنیای امروز در همه‌ی علوم انسانی، دینی و...، مراکز علمی و تحقیقاتی بسیاری با مدیریت و هدایت نخبگان و دانشمندان سرآمد فراهم آمده است تا

ص: 25

آخرین یافته های هر علم را با سرعت و به روز مدون کنند و در اختیار فراگیران، از ابتدایی و تا انتها قرار دهند در نتیجه حتی در موضوعات: قرآنی، لغت، ادبیات و ...، کارشناسان غیر مسلمان، بهترین کتب را تدوین کرده اند و به ما نیز ارائه می دهند و می گویند شما نمی توانید !!!

در این شور و شعف دنیای مدرن، ما نیز همچنان کورکورانه و بدون دلیل به تأمل و تعمق در سطر سطر و کلمه به کلمه ی مکتوبات بدون تغییر و تحول قرنهای پیش مشغولیم.

اگر از زعمای حوزه پرسیده شود کدام فلسفه، حکمت، و عقل و منطق، پشتوانهی نظام حوزوی موروثی است؟ پاسخ چیست؟

کدام لجنه ی علمی و یا فرد با صلاحیتی، کی و کجا این نظام موروثی را پایه گذاری کرده است؟ و بالاخره اگر منبع و یا مرجع موثقی برای آن پیدا نکردیم، به حق آن را مورد تردید قرار خواهیم داد.

تا به کی باید در سطح و خارج، اقوال و آرای ادیبان و فیلسوفان، و اصولیان و فقها، صدر و ذیل دروس حوزوی را پر کرده باشد و از قرآن و سنت و سیره، خبری نباشد و از شذوذ و نوادر به شمار آیند؟

از همه اسفبارتر این که در سطح و خارج، اصول، کلیات، و مهمات دین فرو نهاده شده و تنها جزئیات و فروع دین، اصل و محور قرار داده شده است؟

ص: 26

آیا این درست است که امروزه هدف آموختن و آموزش در حوزه، و فلسفه ی وجودی آن، «استنباط الأحكام عن ادلتها التفضیله» باشد و کتاب و سنت در آموزش ها همچنان مهجور، متروک و مغفول بمانند؟؟

متون درسی که با شرایط و اقتضائات قرن‌ها پیش نگاشته شده است آنچنان در حوزه ها مورد تجزیه و تحلیل، و تعمق و تدبر کلمه به کلمه و سطر به سطر قرار می گیرند و از قداست و عظمت برخوردارند که گویا آنها، قرآن و سنت و سیره اند!

اگر معلوم شود جایگاه قرآن و سنت و سیره در حوزه ها چیست و چگونه است؟ و گوش شنوایی باشد؛ صدای گریه های رسول اکرم صلی الله علیه وآله وسلم امامان علیهم السلام و نهیب آنها را خواهیم شنید که با زبان شکوه می پرسند: «انی تارک فیکم الثقلین ..»، چه شد؟!

امامان شیعه رجوع به محاکم و قضات عامه را رجوع به طاغوت دانسته و از رجوع به آنها بر حذر می داشتند ولی امروز، طلاب حوزه ها با سرافکنندگی و حقارت، خوشه چین و شاگردهای کتاب های ادبی و بلاغت اهل سنت اند و چه خوب: «کونوا لنا زینا و لا تکنوا لنا شینا» را آویزهای گوش خود قرار داده ایم! به راستی امامان شیعه در میان شیعیان خود

غریب تر، مظلوم تر و تنهاترینند. گفتن دارد که مدیریت متون درسی بر نیازهای امروز جهان اسلام پوس خند می زند و برای هزاران موضوع:

اعتقادی، اخلاقی، قرآنی و فقهی پاسخی ارائه نمی‌گردد جز در قالب: اما، اگر، احوط و اقوی.

6. علوم مقدماتی و آلی

«متن خالص دین»، نباید تحت الشعاع علوم و فنون مقدماتی و آلی قرار گیرد بلکه باید هر یک در جای و جایگاه خویش قرار داده شود. و البته در این فرایند، مبدا، مقصد، منتهی و غایه‌الغایات هر علم و از همه مهم‌تر کلیت علوم دینی باید شناخته شود.

به بیانی دیگر اگر آموختن «متن خالص دین»، منتهی و غایه‌الغایات علوم حوزوی و مفاد آیه‌ی شریفه‌ی: «...فَلَوْلَا نَفَرَ مِن كُلِّ فِرْقَةٍ مِّنْهُمْ طَائِفَةٌ لِّيَتَفَقَّهُوا فِي الدِّينِ وَلِيُنذِرُوا قَوْمَهُمْ إِذَا رَجَعُوا إِلَيْهِمْ لَعَلَّهُمْ يَحْذَرُونَ» می‌باشد؛ پس آنان که ممتحصص در ادبیات، بلاغت، فلسفه و... می‌باشند و در متن خالص دین تخصصی ندارند چگونه می‌توانند دانش آموخته حوزوی دین باشند؟! آیا اینان را می‌توان متفقه در دین دانست؟

برای آموختن و آموزش دین به علوم عدیده‌ای به عنوان «مقدمه» نیاز است.

این مطلب درستی است و این نیاز در

همه‌ی علوم وجود دارد ولی این به معنای آمیخته شدن علم دین با دیگر علوم

نیست. پوشیده‌نماند که بسیاری از علوم و متون پذیرفته شده‌ی حوزوی، اصالت را از آن خود نموده و جایگزین قرآن و سنت شده‌اند به گونه‌ای که

ص: 28

فرصتی برای پرداختن به قرآن و سنت باقی نمی ماند! آیا این امری اتفاقی است؟!

از جمله ی تهدیداتی که در طول تاریخ، متن قرآن، احادیث و اصول و فروع اسلام را تهدید می کرده است در آمیخته شدن آموزه های دیگر ادیان و مکاتب اعتقادی، عرفانی، فلسفی با اسلام بوده است که در بسیاری از موارد با مقاومت سرسختانه ی مسلمانان مواجه شده است.

ناگفته نماند که بالاخره بسیاری از مطالب و اعتقادات: عرفانی، فلسفی و ... اجانب در کتاب های ما تنیده شده و اموری را مشتبه نموده است و حتی بسیاری از عرفا و فلاسفه، این گونه مسائل وارداتی را به عنوان مسائل اسلامی پذیرفته اند. نکته ای که هرگز نباید مورد غفلت قرار گیرد این است که محتوای آموزشی نهاد فقط و فقط باید متن خالص دین باشد و با هیچ چیز در نیامیزد. البته برای آموزش علوم ضروری آلی و مقدمه ای باید مراکز و متون دیگر را منظور نمود.

7. مراکز تخصصی نهاد

مراکز حوزوی انبوه است و در این زمینه مشکلی نیست مشکل آنجاست که طلاب به دلیل عدم تامین معیشت و گاه به دلیل فرار از متون درسی، پس از چند سال از حوزه می گریزند ولی بزرگان همچنان نگاه دار مراکز خالی چند میلیاردی با تعداد اندکی از طلاب اند در این زمینه رقابت ها پررونق و عطش تاسیس مراکز، سیری ناپذیر است.

ص: 29

وقتی نهادها و مراکز حوزوی، نجومی باشند و مدیریت منسجم و واحدی در کار آنها نباشد ره آوردی جز نابودی حرث و نسل نخواهد داشت. ناگفته نماند که مدارس مانده از قبل با سرمایه های عظیم موقوفه رها، مخروبه و در حال نابودی اند ولی تهاجم وسوسه های کورکورانه و بی هدف هواهای نفسانی، همچنان بر طبل تاسیس مراکز و مدارس جدید می کوبد.

امکانات مدرن آموزشی در مراکز، نقش تعیین کننده ای در رشد و ارتقای علمی و تربیتی فراگیران دارد؛ از این رو در این زمینه ها باید سخاوتمندانه عمل نمود. ناگفته نماند که علوم حوزوی ناگزیر باید تخصصی شوند و برای هر تخصص، مرکزی ویژه و با تمام امکانات بایستی پدیدار گردد.

تاکنون رسم بر این بوده است که هر عالم یک کتاب «جامع الشتات» باشد. امروزه در زمینه های: اعتقادات، اخلاق، معاملات، حقوق، حکومت، و... صدها تخصص مورد نیاز است که باید مراکز تخصصی آن ایجاد و در هر تخصص، هزاران طلبه فارغ التحصیل شوند.

8. اساتید و مربیان نهاد

تربیت اساتیدی که بتوانند «متن خالص دین» را آموزش دهند و آنگونه که شارع می پسندد تربیت شوند از مهم ترین فرازاین فرآیند است. طلاب از مبتدا تا منتها دروس را می خوانند و امتحان می دهند سپس از میان آنان چند نفر به عنوان استاد انتخاب می شوند استاد بدون آنکه روش تدریس خوانده باشد و مقاطع سنی و تحصیلی فراگیران را تفکیک کند به تدریس می پردازد.

امروزه در همه ی مراکز آموزشی ابتدایی تا عالی پس از آنکه فردی در رشته ی خاصی فارغ التحصیل شد بایستی دوره های مربوط به شناخت متون و فراگیران در سن و مقطع خاص را طی کند و آنگاه مجوز تدریس به او داده خواهد شد.

بخش بزرگی از موفقیت های یک موسسه ی آموزشی، مرهون تلاشهای اساتید متبحر و وظیفه شناس است. آموزگاران که دین خدا را آموزش می دهند باید به ملاکات اخلاقی آراسته و از انفاس قدسیه برخوردار باشند تا بتوانند با تهذیب نفوس و تعلیم علوم نورانی دین، وارثان به حق پیامبران و نواب عام حضرت بقیه الله علیه السلام را تربیت کنند.

9. فراگیران نهاد

سخنی که در این عرصه به ذهن تبادر می نماید این است که شرع انور، اینان را با چه ویژگی هایی معرفی کرده و انتظاراتش از این جمع فرهیخته و ممتاز چیست؟ به بیانی دیگر، این جمع فراگیران، کجا، چگونه و با کدام محتوای علمی و پرورشی باید آموخته و پرورانده شوند تا بتوانند در ایفای رسالت خویش موفق گردند؟

در کلام الله و سخنان معصومان علیهم السلام می توان به سیما و ویژگی های دین آموزان به شرح زیر دست یافت:

- طایفه ای باید کوچ کنند تا در دین آگاه گشته و در بازگشت، به انداز قوم خویش بپردازند.

- کَلِّ كَمَالًا، «تَفَقَّه» در دین است.

هرطالب علم دین، بایستی نخست علوم مقدماتی را فرا گرفته باشد و سپس وارد حوزه شود و یا آنکه حوزه، علوم مقدماتی را آموزش دهد و آنگاه به آموزش خالص علم دین بپردازد.

همه ی پیامبران و ائمه علیهم السلام در هدایت مردم سعی بلیغ، حرص وافر و اصرار وصف ناشدنی داشتند. اهتمام آنان این بود که مردم بنده ی خدا شوند و سر در

طاعت او فرود آورند و فرمان بردار شیاطین و انسانهای گناهکار نباشند.

(1)

یاران و صحابی خاص پیامبران و امامان نیز از یک سوره رنج سفر و غربت را تحمل می کردند تا هرکجا معصومان هستند در جوارشان باشند و معارف الهی و دینی را فرا گیرند و از سوی دیگر به اقصی نقاط عالم عزم راه می کردند تا احکام و معارف نورانی الهی را به گوش همگان برسانند و در این رسالت عظیم چه رنج ها که کشیدند!

افزون بر موارد یاد شده، آیات و احادیث، پیرامون ویژگی ها، ساختار شخصیتی و وظایف و مسئولیتهای خطیر این جمع، فراوان است که بایستی بدرستی شناخته و بررسی شوند.

ص: 32

1- وَيَضَعُ عَنْهُمْ إِصْرَهُمْ وَالْأَغْلَالَ الَّتِي كَانَتْ عَلَيْهِمْ ۗ وَالَّذِينَ آمَنُوا بِهِ وَعَزَّرُوهُ وَنَصَرُوهُ وَاتَّبَعُوا النُّورَ الَّذِي أُنزِلَ مَعَهُ ۗ أُولَٰئِكَ هُمُ الْمُفْلِحُونَ
«اعراف (7)، آیات 157.

در این فراز، لازم است پژوهشگران با تلاش در منابع و مبانی دینی، سخت در تکاپوی دیدگاه شارع در این زمینه ها باشند و مرادات وی در این زمینه را متقح و مدون نمایند. می توان گفت اینان ثمره ها و خروجی های: «نهاد آموختن و آموزش متن خالص دین» می باشند.

به گفتاری دیگر این جمع در دو جایگاه و دو میدان، موضوع سخن می باشند یکی این که چگونه و با چه برنامه ای آموختن «متن خالص دین» به این جمع تحقق یابد و دیگر این که این جمع مبارک چگونه پس از آموختن، آن را آموزش دهند؟

نام جوینده و آموزش دهنده ی متن خالص دین که باید آموخته و تربیت شوند و رسالت بزرگ: تبلیغ، ترویج و حفظ و حاکمیت دین را بر عهده بگیرند در ادلهی شرعیه سخن فراوان ذکر شده است.

به نظر شما کدام واژه از واژه های: عالم، متعلم، طالب، طلبه، فقیه، متفقه و... می تواند در بردارنده ی این همه مفاهیم متعالی یاد شده باشد؟

با توجه به مفاد مستفاد از آیه ی شریفه: «...فَلَوْلَا تَقَرَّرَ...» کسی که در پی آموختن دین باشد «متفقه»، و آن کس که دین را آموخته است، «فقیه» می نامیم.

از دیگر افادات انتزاعی آیه ی شریفه این است که هر مجموعه و محتوایی که

دین آن را به فقیه در راستای مسئولیت ها و وظایف محوله اش به وی آموزش

می دهد را «فقه» و آنچه را فقیه آموخته تا بتواند در ایفای رسالتش توانمند گردد را «فقاہت» می نامند.

از دیدگاه شما آیا متولیان امر دین توانسته اند، به آنانکه می خواهند «متن خالص دین» را بیاموزند و سپس رسالت بزرگ:

تبلیغ، ترویج و حفظ و حاکمیت دین را بر عهده گیرند خدمت رسانی کنند؟

وضعیت اسفناک کنونی گواه چیست؟

- چند درصد از طلاب پذیرش شده در حوزه، می مانند و چند درصد به اشتغالات دیگر روی می آورند؟

- چند درصد در زمینه های: تحقیق، تدریس، تبلیغ و ... کارآمدی دارند؟

- چند درصد، علاف و سربار حوزه و جامعه اند؟ و ...

اینها همه گواه آن است که عوامل اثر گذار در بهینه آفرینی به شدت ناکارآمد، ناتوان و به دور از استانداردهای لازم اند.

از جمله ی عوامل مهم در این کاستی و ناکارآمدی، شمار اندک و یا ناتوانی کسانی است که باید متصدی و متولی امر دین و دنیای مردم به وسعت تمام گیتی باشند.

راه چاره چیست و با کدام ترفند و شیوه می توان به استیلا ی کفر و شقاوت، ستم و بی عدالتی و تضییع حقوق انسانها در جای جای جهان پایان داد؟

ص: 34

پیامبر اکرم صلی الله علیه وآله وسلم در روزگار خویش در مدت کمی به حاکمیت شرک و کفر پایان داد و حاکمیت الله، قوانین آسمانی، و سنت و سیره را بر بخش اعظم جهان گستراند.

با الهام از مقام رسالت، فقها و زعمای دینی بایستی به میدان در آیند و با گزینش انبوهی از نخبگان سرآمد در دانش و دیانت، آنان را به آموختن «متن خالص دین» تشویق نمایند. در این هنگامه، دین آموختگان، بزرگ ترین سرمایه ی جهان اسلام خواهند بود که می توانند آفریننده ی پرشکوه ترین حماسه و تحول بنیادین در جهان اسلام باشند.

این فقیهان برجسته بایستی همچون عقابان تیز تک در سراسر جهان به پرواز در آمده و با گسترش آموزش «متن خالص دین»، جهان را در حاکمیت «الله» در آورند.

ص: 35

حوزه های علمیّه در حقیقت تجلّی و تبلور امامت، و حجیت زعامت روات و محدثان در طول عصر غیبت میباشد و بی شک با ساماندهی این نهاد، همه چیز سامان خواهد یافت و بی شک نابسامانی ها در این عرصه، زمینه ساز همهی نابسامانی ها و ناملایمات به شمار خواهد آمد.

گستره ی زعامت دینی نباید محدود به حیطه ی جغرافیایی تشیع بلکه باید به وسعت همه ی جهان و انسانها باشد؛ زیرا زعامت دینی، کامل ترین و پویا ترین نوع حکومت جهانی برای انسانها می باشد، چون رهنمود دین و فرمان حضرت رب العالمین است. (1) و به حق این گمشده ی واقعی انسانها برای برخورداری از حیات طیبه و بهترین نوع زندگی است و حضرت مهدی علیه السلام با ظهورش نوید بخش استقرار حکومت دینی برای پهنه گیتی و همهی انسان هاست.

دست آورد این مقال این است که زعمای دین باید با تفکر جهانی به احیا و کارآمدی «نهاد آموختن و آموزش متن خالص دین» بپردازند تا در این پرتو، جای جای جهان، جایگاه حضور و تصدی حاکمان و والیان امور مربوط به دیانت، و ملک و ملل باشد.

ص: 36

1- أَطِيعُوا اللَّهَ وَأَطِيعُوا الرَّسُولَ وَأُولِي الْأَمْرِ مِنْكُمْ»، نساء (4)، آیه 59.

بسمه تعالی

جَاهِدُوا بِأَمْوَالِكُمْ وَأَنْفُسِكُمْ فِي سَبِيلِ اللَّهِ ذَلِكُمْ خَيْرٌ لَّكُمْ إِنْ كُنْتُمْ تَعْلَمُونَ

با اموال و جان های خود، در راه خدا جهاد نمایید، این برای شما بهتر است اگر بدانید.

(توبه : 41)

چند سالی است که مرکز تحقیقات رایانه ای قائمیه موفق به تولید نرم افزارهای تلفن همراه، کتاب خانه های دیجیتالی و عرضه آن به صورت رایگان شده است. این مرکز کاملاً مردمی بوده و با هدایا و نذورات و موقوفات و تخصیص سهم مبارک امام علیه السلام پشتیبانی می شود. برای خدمت رسانی بیشتر شما هم می توانید در هر کجا که هستید به جمع افراد خیراندیش مرکز بپیوندید.

آیا می دانید هر پولی لایق خرج شدن در راه اهلبیت علیهم السلام نیست؟

و هر شخصی این توفیق را نخواهد داشت؟

به شما تبریک میگوئیم.

شماره کارت :

6104-3388-0008-7732

شماره حساب بانک ملت :

9586839652

شماره حساب شبا :

IR390120020000009586839652

به نام : (موسسه تحقیقات رایانه ای قائمیه)

مبالغ هدیه خود را واریز نمایید.

آدرس دفتر مرکزی:

اصفهان - خیابان عبدالرزاق - بازارچه حاج محمد جعفر آبادی - کوچه شهید محمد حسن توکلی - پلاک 129/34 - طبقه اول

وب سایت: www.ghbook.ir

ایمیل: Info@ghbook.ir

تلفن دفتر مرکزی: 03134490125

دفتر تهران: 021 - 88318722

بازرگانی و فروش: 09132000109

امور کاربران: 09132000109



مرکز تحقیقات رایانگی

اصفهان

گامی

WWW



برای داشتن کتابخانه های تخصصی
دیگر به سایت این مرکز به نشانی

www.Ghaemiyeh.com

www.Ghaemiyeh.net

www.Ghaemiyeh.org

www.Ghaemiyeh.ir

مراجعه و برای سفارش با ما تماس بگیرید.

۰۹۱۳ ۲۰۰۰ ۱۰۹

